

**تعدادی از اعضای هیأت دولت سازندگی در گفت‌وگو با «شهروند» از تجربه همکاری با هاشمی رفسنجانی می‌گویند**

# کابینه وفادار

شهروند | خیلی‌ها به سوگ رفتن نشستن، گریستند و خاطر ه گفتند. از شامگاه یکشنبه که همه جا از خبر درگذشت «کبر هاشمی رفسنجانی» پُر شد، خیلی‌ها بی‌قرار شدند و یاد گذشته برایشان تداعی شد؛ یاد رئیس‌جمهوری که در سخت‌ترین دوره پس از جنگ، «ساختن» را اساسی کارش قرار داد و دولتش را سازندگی نامید. از دوشب پیش، هر کس به شیوه خود با او وداع گفت؛ گروهی با انتشار دلنوشته‌ها و عکس‌های بی‌شمار در اینستاگرام و تلگرام و توییتر؛ آن قدر که دیگر فضای مجازی به آلبوم عکس‌های رئیس‌جمهور سازندگی و خانواده‌اش بدل شده بود. گروهی هم با رفتن به مراسم تشییع و اشک ریختن و قرآن خواندن، عمق اندوهشان را بیرون ریختند؛ پیر و جوان و نوجوان. نوجوانانی که از دو دوره ریاست‌جمهوری «هاشمی رفسنجانی»، چیزی جز نامش به یاد ندارند و نبودند در دوره‌ای که هاشمی بنیان‌گذار دانشگاهی شد که حالا خیلی‌هایشان روی صنایع هایش می‌نشینند و بنیادی را راه‌اندازی کرد که در زمان دیابلیزها، هموفیلی‌ها و تالاسمی‌ها را از آن‌ها زد. آنها در خاطرشان نیست زمانی که آستین‌هایشان را بالا زد تا کارگران از فلاکت در آیند و زنان وارد عرصه‌های ورزشی شوند. حالا از میان تمام آنهایی که از غم رفتنش، اشک ریختند و گریه به ابرو انداختند، هم‌دوره‌ای‌ها، هم‌کاب‌ها یا وزرایش یا آنها که ریاست‌سازمان و نهادهای را در همان هشت‌سال سازندگی عهده‌دار بودند، شاید رنج عمیق‌تر است، همان‌ها که در جلسه‌های هیأت دولت، رفت‌وآمد داشتند و خاطر ه از او بسیار؛ آنها که شامگاه یکشنبه، دقیقاً بعد از ساعت ۰۷:۳۰ خبردار شدند که قلبش از تپش ایستاده. قلب بیمارارش در بیمارستان شهدای تجریش، برای همیشه ساکت ماند و علت مرگ، سکته قلبی اعلام شد.

ساعتی از درگذشت رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت‌نظام نمی‌گذشت که حسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت دولت یازدهم، از آخرین خاطرهاش با «کبر هاشمی» گفت. از آخرین ناهاری که دور هم بودند و او از مسائل سیاسی و آرزوهایش برای کشور حرف زده بود: «آیت‌الله هاشمی نگران دو قطبی شدن جامعه بود.» خاطرات وزرای دولت سازندگی را هم باید به اینها اضافه کرد؛ خاطر ه حسین کمالی، وزیر کار؛ ابرج فاضل، وزیر بهداشت؛ مصطفی هاشمی طباطبائی، رئیس‌سازمان تربیت‌بدنی و علی نوذرپور، از مسئولان فعال در وزارت کشور. آنها که از نگاه مثبت هاشمی به ورزش زنان و اقدامات قابل توجهش در بخش کارگری و کلید خوردن پروژه‌های فراوان شهری با «شهروند» گفتند.



## نگاه مثبت آیت‌الله به ورزش زنان

مصطفی هاشمی طباطبائی، رئیس‌سازمان تربیت‌بدنی در دولت دوم هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در زمان ریاست‌جمهوری با تشویقاتی که در حوزه ورزش زنان از خود نشان داد، ورود زنان را به این حوزه هموار کرد. واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین نتایج دوره ایشان بر ورزش کشور، باز شدن فضا برای ارتقای ورزش زنان ایرانی بود. نگاه مثبتی که ایشان همیشه برای ورزش زنان داشت، راه را برای ورود به حوزه‌های بین‌المللی نیز باز کرد. از آن زمان به بعد بود که ارتباط بین‌المللی در حوزه ورزش زنان افزایش یافت تا آنها هم بتوانند به شرکت در مسابقات جهانی فکر کنند؛ آن هم در رشته‌های مختلف ورزشی. این نوع نگاه ایشان به حوزه ورزش زنان تا جایی پیش رفت که در دوره‌های بعدی به شرکت در مسابقات المپیک و سایر مسابقات زنان رسیدیم. نظرات ایشان بر حوزه ورزش باعث وقوع اتفاقات مثبتی بود که کلیت کار خود را نشان می‌دهد که از یک مدیر کلان هم بیرون از این انتظار نمی‌رود. رئیس‌دولت سازندگی نیازهای سازمان تربیت‌بدنی کشور را تا جایی که ممکن بود، برآورده می‌کرد. پشتیبان اقدامات ما در این حوزه بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همیشه در شورا برای تربیت بدنی حاضر می‌شد که نشان از توجه او به ورزش بود. هر زمان که می‌مهمان خارجی یا مراسم‌اهدایی جایزه به قهرمانان داشتیم، ایشان برای پذیرش و شرکت آمادگی کامل داشت. تمامی برنامه‌ریزی‌هایی که در حوزه ورزش زنان انجام می‌شد، با تصویب و نظر او بود. یعنی ما همیشه نظر ایشان را می‌خواستیم و با توجه به آن کار را آغاز می‌کردیم. سال ۷۷ هم که قرار بود بر سازمان تربیت‌بدنی کشور، ۱۳۷۷ سالن ورزشی در کشور ایجاد شود، باز هم با مشورت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی انجام شد. به ما گفتند طرح را کلید بزنید، ما هم کمک می‌کنیم. ایشان همیشه در حوزه‌های ورزش مشوق ما بود و در مورد اعتبارات حوزه ورزش هم سفارش‌های لازم را به سازمان برنامه و بودجه ارائه می‌کرد تا در آنجا بودجه‌های لازم اعمال شود. حالا تمام نتایج مثبتی که از آن زمان تاکنون در این حوزه شاهد آن بوده‌ایم، ثمره مدیریت کلان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کشور است.



## آقای هاشمی پیوند اعضا در کشور را پایه‌گذاری کرد

ابرج فاضل، وزیر بهداشت دوره اول دولت سازندگی

در دولت پنجم یعنی زمانی که دولت سازندگی به ریاست آقای اکبر هاشمی آغاز به کار کرد، من دو سال به‌عنوان وزیر بهداشت فعالیت کردم. در آن دوره شاهد پیوند اعضا در کشور بودم که آقای هاشمی به‌عنوان یک سیاستمدار برجسته مملکت، با وجودی که در کسوت روحانیت فعالیت می‌کرد، با دانش وسیع‌اش، بسیار پیشرفته و روشن و جلوتر از زمان خودش فکر می‌کرد. او رمی شجاع و خوشفکر و بسیار مترقی بود و بزرگترین آرزویش اعتلای کشور بود. او زمانی که به نتیجه‌ای می‌رسید بی‌نهایت قاطع عمل می‌کرد. در حوزه بهداشت هم همین‌طور عمل می‌کرد و در مناصب مختلف از مدیران موفق استفاده می‌کرد و در عین حال که به آنها مسئولیت می‌داد، آنها را حمایت هم می‌کرد. زمانی که در حوزه بهداشت و درمان گزارش‌هایی برای اومی‌پریم، به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گرفت؛ خاطر ه هست که برای ایجاد بنیاد امور بیماری‌های خاص پیش او رفتم و گزارشی درباره وضع معیشتی و بیماری‌بیماران خاص برایش خواندم و از مشکلات بیماران دیابلیز، گفتم، گریه‌اش گرفت و همین‌طور که من حرف می‌زدم، اشک می‌ریخت. در دوره آقای هاشمی بود که بنیاد امور بیماری‌های خاص تشکیل شد و او هر گونه حمایتی بود، هم در روز ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی بود. هم در تفکر و قاطعیت، بسیار دل‌رحم بود و لطیف‌ترین احساسات را داشت و بسیار هم تحت‌تأثیر عاطفی مشکلات افراد قرار می‌گرفت.

از دیگر اتفاقاتی که در دوره آقای هاشمی افتاد، ماجرای پایه‌گذاری پیوند اعضا بود. پیوند عضو قبل از انقلاب اسلامی به صورت نمائشی انجام می‌شد اما بعد از انقلاب به‌طور کامل متوقف شد. در دوره آقای هاشمی با حمایت‌های ایشان پیوند اعضا پایه‌گذاری شد و من توانستم پیوند اعضا در کشور را تدوین کنم. آن زمان بیمارستان هاشمی‌نژاد با فته‌های چهار پیوند کلیه کارش را در این بخش شروع کرد. آقای هاشمی با این اقدام کمک‌های زیادی به بخش درمان کرد.

او در دوره ریاست‌جمهوری خدمات عظیمی به مردم و مملکت کرد؛ البته این را هم نباید فراموش کرد که آقای هاشمی تسلط و پختگی در ساماندهی سیاست خارجی



## مهم‌ترین دستاوردهای کارگران، در دولت سازندگی



به‌عنوان نمایندگان کارگران شناخته می‌شوند، در دوره ایشان شکل گرفت و تصویب شد و بر این اساس چندین هزار شورا برای دفاع از حقوق کارگران شکل گرفت و به صنعت کشور هم کمک کرد. علاوه بر این، بازسازی و نوسازی سازمان آموزش فنی کشور در دستور کار دولت آقای هاشمی قرار گرفت، به صورتی که مسئولان مربوطه تحولات صورت‌گرفته را یک انقلاب در عرصه آموزش می‌دیدند و پس از این به دوره وزارت و بعد از آن بر نمی‌گردد. در روزهای ابتدایی انقلاب من عضو شورای پیگیری انقلاب بودم و آقای هاشمی هم که عضو شورای انقلاب بودند. بعد از آن هم در حزب جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی، دولت سازندگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام بنده افتخار همکاری با ایشان را دارم.

در تمام این سال‌ها، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همیشه مدافع حقوق کارگران بودند؛ از ابتدای پیروزی انقلاب با مجموعه کارگری رابطه نزدیک و صمیمی داشتند و هیچ‌گاه دلسوزی برای کارگران را کنار نگذاشتند. ایشان همیشه از کار، صنعت، کشاورزی و حقوق کارگران حمایت می‌کرد و مخالف فقر بودند و مرتب با تشکلهای کارگری و خود کارگران دیدار داشتند و به جرات یکی از حامیان همیشگی حزب اسلامی کار بودند و فعالان این عرصه را حمایت می‌کردند.

درباره دستاوردهای دولت سازندگی در زمینه حقوق کارگران سخن‌ها فراوان است، به‌گونه‌ای که مهم‌ترین امتیازات و دستاوردها در این دوره اتفاق افتاد؛ اگر قانون‌کاری تصویب شد، در آن دوره بود، اگر بیمه بیکاری کارگران بود، در آن دوره بود. خلاصه این‌که هر چه دستاورد در وضع کارگران داشتیم، در دوره ایشان بود. زمانی که بحث واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی هم مطرح شد، قانون ۳۳ درصد سهام کارخانه‌ها به کارگران تصویب شد و چندین میلیون سهم از کارخانه‌ها به کارگران واگذار شد که دستاورد بزرگی برای کارگران بود. علاوه بر این، برای نوشتن و تصویب قانون کار، ایشان صدها ساعت وقت گذاشتند که خیلی کم اتفاق می‌افتد. یک رئیس‌جمهوری این قدر وقت برای یک موضوع بگذارد، بسیاری از قوانین شایسته در رابطه با حقوق کارگران از جمله قانون کار معلولین، بهسود بهداشت کارگری و ... همه از دستاوردهای دولت سازندگی هستند. در این دوره فرض بر این بود که اگر کارگران حمایت شوند، بهتر و با انگیزه‌تر کار خواهند کرد و به همین دلیل، در آن مقطع دستاوردهای اساسی برای جامعه کارگری محقق شد که بعد از دوره ایشان برخی از این حقوق و دستاوردها تضعیف شدند یا این‌که از بین رفتند. قانون‌های اسلامی کار که

## مدیریت محلی، برای نخستین بار در دولت هاشمی

و پژوهش بود که در دولت هفتم و هشتم هم ادامه داشت، اما بعد از سال‌های ۸۴ تا ۹۲ که این حوزه به فراموشی سپرده شد، تلاش‌های بعدی نتوانست این حوزه را زنده کند. یکی از وظایف جدی دولت که وزارت کشور مسئول اجرای آن است، هدایت‌شهرداری‌ها در راستای سیاست‌های عمومی دولت است و برای این کار باید بدانیتم چگونه شهرداری‌ها را هدایت کنیم، در حالی که این چگونگی از تحقیق و پژوهش به دست می‌آید که متأسفانه در دوره جدید هم به‌رغم اهمیت موضوع توجهی به آن نشده و نشریات تخصصی در تعطیلی کامل به‌سر می‌برند. اگر چه شوراهای شهر و روستا در دوره رییس دولت اصلاحات شکل گرفت، اما در دوره آقای رفسنجانی برای نخستین بار بحث مدیریت محلی و واگذاری وظایف دولت به مدیران محلی منتخب مردم در راستای تمرکززدایی جزو مباحث مطرح‌شده در برنامه دوم توسعه بود و همین‌طور راه‌بردهای استراتژی هم می‌بینیم. مترو تا آن زمان از سوی وزارت کشور مدیریت می‌شد، اما در سال‌های ۶۸ به بعد، بر اساس همین دیدگاه به شهرداری تهران واگذار شد که استارت آن زده می‌شود. ساخت مترو به‌طور جدی در دولت هاشمی صورت گرفت، چون اهمیت ویژه‌ای به مبحث حمل‌ونقل عمومی در آن سال‌ها داده می‌شد. به دنبال سیاست‌های دولت سال‌های ۶۹-۷۰، دوهزار و ۳۰۰ دستگاه اتوبوس ملی ایکاروس از یک شرکت مجارستانی وارد شد که باز



علی نوذرپور، رئیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور در دولت دوم هاشمی رفسنجانی

خاطر ه هست آقای هاشمی در زمان ریاست‌جمهوری‌اش وقتی آقای زرگر، معاون برنامه‌ریزی و ارتقای شهر، هر دو یا سه هفته یکبار از ایشان گزارش کار می‌گرفت. می‌گفتیم، شما برای چه در دو، سه هفته یکبار به دیدار رئیس‌جمهوری می‌روید؟ آقای زرگر در جواب می‌گفت که ایشان من را می‌خواهند تا از حوزه عمران شهری در استان‌ها گزارش بدهیم، ایشان نقل می‌کردند: حاج آقا ذهن ریاضی قوی دارد. در رایه گزارش‌ها، باید حواسم خیلی جمع باشد تا دچار خطا نشوم، چون در ذهنش محاسبه می‌کند و اعداد با هم نتوانند، اشکال می‌گیرد. این دوره به‌علاوه دوره ریاست‌جمهوری اصلاحات برای من دوره پرخطره به لحاظ تجربه کاری است که همیشه از آن به‌عنوان بهترین دوره‌های پژوهش‌های شهری نام می‌برم، چون مشی داشتند، هاشمی واقعا در برابر مخالفان و منتقدان بسیار صبور بود.

راه‌حلی در نظر گرفته شود. وقتی این گزارش‌ها را می‌شنیدم، متأثر می‌شدم که چرا کشور در حال عقبگرد است و چرا در همه‌شاخص‌ها هافول می‌بینم و رشد اقتصادی کشور کند است؟ و من نگرانی را به‌شدت در چهره ایشان می‌دیدم.

با وجود این، امیدواری به آینده همیشه از سوی هاشمی رفسنجانی وجود داشت. همیشه به ما انگیزه می‌داد که بالاخره شرایط درست می‌شود و شما کار خود را ادامه دهید. یکی از بهترین دوره‌های وزارت کشور در حوزه مطالعات شهری از سال‌های ۷۰ تا ۷۶ بود، با وجود اینکه سازمان شهرداری‌ها هم هنوز شکل نگرفته بود. در حوزه عمرانی وزارت کشور شاهد شکل‌گیری مرکز مطالعاتی ویژه برنامه‌ریزی شهری بودیم. برنامه ۱۳ دوره‌جی عمران شهری و مدیریت شهری از محور پیگیری اهداف از جمله در حمل‌ونقل، پسماند، ایمنی شهری، آموزش کارکنان شهرداری و شهروندی، بافت فرسوده که در آن زمان بافت‌های مسأله‌دار نام برده می‌شود، مقابله با سوانح و غیره تدوین شد. نخستین بار به مقوله پژوهش‌های شهری توجه شد و هدفگذاری کردیم و بودجه سال ۷۲، متأثر از پژوهش‌ها، نخستین بار ردیف ویژه‌ای برای این مقوله گذاشته شد که بر این اساس پروژه مهم شهری تعریف شد. این آغاز توجه بود و مقدمه‌ای برای انتشار کتاب‌ها و برنامه‌ریزی شهری شد.